

نقش فقر اجتماعی و اقتصاد روستایی بر تخریب محیط زیست (مطالعه موردی: مرتع ممیزی شده شوررود، بخش شیب آب شهرستان زابل)

زهرا شریفی نیا* - مربی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زابل
مسعود مهدوی حاجیلویی - استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱/۱۵ تأیید نهایی: ۱۳۸۹/۹/۱۳

چکیده

فقر روستایی به واسطه فشار بر منابع محیطی و بهره‌برداری غیراصولی و ناپایدار از این منابع، موجب تشدید تخریب محیط زیست می‌شود و بحران‌های زیست‌محیطی نیز به واسطه تحلیل و از بین بردن منابع مورد استفاده روستاییان، بر شدت فقر آنان می‌افزاید. هدف از این تحقیق، بررسی نقش فقر اقتصادی و اجتماعی روستایی بر تخریب محیط زیست در مرتع ممیزی شده شوررود در بخش شیب آب شهرستان زابل است. روش تحقیق بر اساس هدف آن، کاربردی است، و داده‌های مورد نیاز از طریق روش کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده‌اند. در روش میدانی ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و واحد آماری، سرپرست خانوار (بهره‌بردار روستایی) است. بدین منظور، تأثیر عملکرد مستقیم و غیرمستقیم انسان بر تخریب محیط زیست (مرتع) ناشی از فقر اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداران روستایی، بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پایین بودن متوسط درآمد سرانه خانوارهای روستایی، بازدهی پایین مرتع و عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی، عامل فقر اقتصادی و سطح پایین تحصیلات خانوار روستایی و بالا بودن بعد خانوار، عامل فقر اجتماعی روستاییان استفاده‌کننده از مرتع بوده است. این عوامل سبب شده‌اند تا روستاییان از یک طرف با عملکرد غیرمستقیم برای تأمین ضروریات زندگی، به نگهداری بیش از حد دام در فضای محدود مرتع بپردازند؛ و از طرف دیگر با تأثیر مستقیم خود از طریق بوت‌کنی که می‌تواند در به تأخیر انداختن فرسایش خاک و افزایش طول عمر مرتع مفید باشد، باعث شدت تخریب‌پذیری مرتع گردند. به طور کلی، فقر اقتصادی و اجتماعی روستاییان (مرتع) از طریق عملکرد مستقیم (بوت‌کنی به منظور تأمین سوخت، فروش و ایجاد آغل) و غیرمستقیم انسان (نگهداری دام مازاد بر ظرفیت مرتع) سبب تخریب محیط زیست شده است.

کلیدواژه‌ها: فقر، اقتصادی، اجتماعی، تخریب، محیط زیست، مرتع.

مقدمه

فقر پدیده‌ای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است که از فقدان تأمین حداقل نیازهای اساسی برای زیستن و سیر به سوی سعادت ناشی می‌شود (صامتی و کرمی، ۱۳۸۳، ۲۱۸). فقر پدیده‌ای چندبعدی است؛ یعنی نه تنها شامل بُعد اقتصادی برای ارضای نیازهای اساسی بلکه شامل بُعد انسانی، فیزیکی، زیست‌محیطی، اجتماعی و سیاسی نیز هست (Zeller et al., 2006, 446). بانک جهانی دلایل فقر اقتصاد روستایی را در عواملی چون پایین بودن میزان درآمد سرانه، بازدهی کم زمین و فرصت‌های محدود شغلی برشمرده‌اند؛ و دلایل فقر اجتماعی روستایی را در سطح پایین سواد و بالا بودن بعد خانوار که خود کاهش پس‌انداز و صرف هزینه هنگفت برای بهداشت، آموزش، مصرف غذایی و مسکن را به دنبال دارد، می‌داند (رحیمی سوره و رضوی، ۱۳۷۵، ۲۸۱).

مسئله تخریب محیط زیست و فقر هر دو از مسائل ضروری جهانی‌اند، که مشترکات بسیاری دارند، اما اغلب به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند (Reardon & Vosti, 1995, 1495). محیط را نمی‌توان به حال خود رها کرد، و انسان‌ها نه تنها در برابر یکدیگر بلکه در برابر محیط خود نیز مسئول‌اند؛ و اگر به محیط آسیب نرسد، مدت‌های طولانی پایدار خواهد بود (Shah, 2005, 71). اقشار فقیر معمولاً فشار فزاینده‌ای بر منابع طبیعی وارد می‌آورند، که این امر در نتیجه رشد جمعیت، دسترسی محدود به زمین یا دسترسی به زمین‌هایی با کیفیت پایین و منابع اندک برای سرمایه‌گذاری و مدیریت منابع پایدار است (Scherr, 2000, 481). این اقشار، چه به خاطر فشاری که به دولت برای برآوردن نیازهای‌شان می‌آورند و چه به خاطر فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی گسترده‌ای که بر روی زمین‌های سست و ضعیف انجام می‌دهند غالباً به نوعی به مثابه مشکل اصلی در دستیابی به توسعه پایدار به‌شمار می‌آیند (Chokor, 2004, 306). فقر روستایی به واسطه فشار بر منابع محیطی و بهره‌برداری غیراصولی و ناپایدار از این منابع، موجب تشدید تخریب محیط زیست می‌شود؛ و بحران‌های زیست‌محیطی نیز به واسطه تحلیل و از بین بردن منابع مورد استفاده روستاییان، بر شدت فقر آنان می‌افزاید (نجفی، ۱۳۸۶، ۱۲).

از عوامل اصلی تخریب محیط زیست در اقتصاد رو به توسعه، فقیر شدن روستاییان بر اثر فشار افزایش جمعیت است. در فناوری کشاورزی سنتی، افزایش جمعیت سبب می‌شود که زمین مناسب برای کشت در دسترس نباشد و فقرا ناگزیر گردند که در حدی افزون بر توان بازتولید منابع طبیعی برای تهیه الوار و سوخت، درختان جنگلی را قطع کنند و دام‌ها را در مراتع بچرانند (Murty, 2009, 3). بدین ترتیب، اقشار مورد بحث، در نواحی حاشیه‌ای بیش از پیش به استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی آسیب‌پذیر (منابعی که حقوق مالکیت‌شان به آنها واگذار نشده است) دامن زده‌اند (هایامی، ۱۳۸۰، ۲۴۰).

تخریب محیط زیست ناشی از بهره‌برداری‌های ناپایدار روستاییان فقیر از منابع محیطی است، که به شکل‌های مختلفی مانند استفاده از منابع طبیعی (هیزم، فضولات حیوانی و مانند اینها) برای سوخت، چرای بی‌رویه دام، تغییر کاربری اراضی جنگلی و مرتعی به زراعی، استفاده از کود شیمیایی برای حاصلخیزی زمین و برداشت بیشتر محصول که آلودگی محیط زیست و به ویژه آب‌های جاری را موجب می‌شود (Agudelo, et al., 2003, 1924) نمود و بروز می‌یابد. در مناطق روستایی بی‌بهره و محروم، که فاصله‌شان از مراکز شهری و مناطق بهره‌مند دور است، فقر اقتصادی و

عدم توانایی تأمین انرژی از طریق انرژی فسیلی و ناتوانی از تأمین خوراک دام از طریق تولید صنعتی، باعث می‌شود تا افراد ساکن در روستا مایحتاج‌شان را در محیط زیست اطراف زندگی جست‌وجو کنند (رحیمی، ۱۳۸۰، ۲۱۴).

استفاده و بهره‌برداری بیش از توان محیط زیست، باعث فقیر شدن روستاییان می‌شود که خود عاملی مؤثر در تخریب محیط زیست است (Nasreen et al., 2006, 70). در مطالعه حاضر هدف آن است نقش فقر اجتماعی و اقتصاد روستایی بر تخریب محیط زیست به صورت موردی در مرتع ممیزی‌شده شوررود بخش شیب‌آب شهرستان زابل در استان سیستان و بلوچستان مورد بررسی قرار گیرد و به این پرسش پاسخ داده شود که فقر اقتصادی و اجتماعی روستاییان چه تأثیری بر تخریب مرتع داشته است.

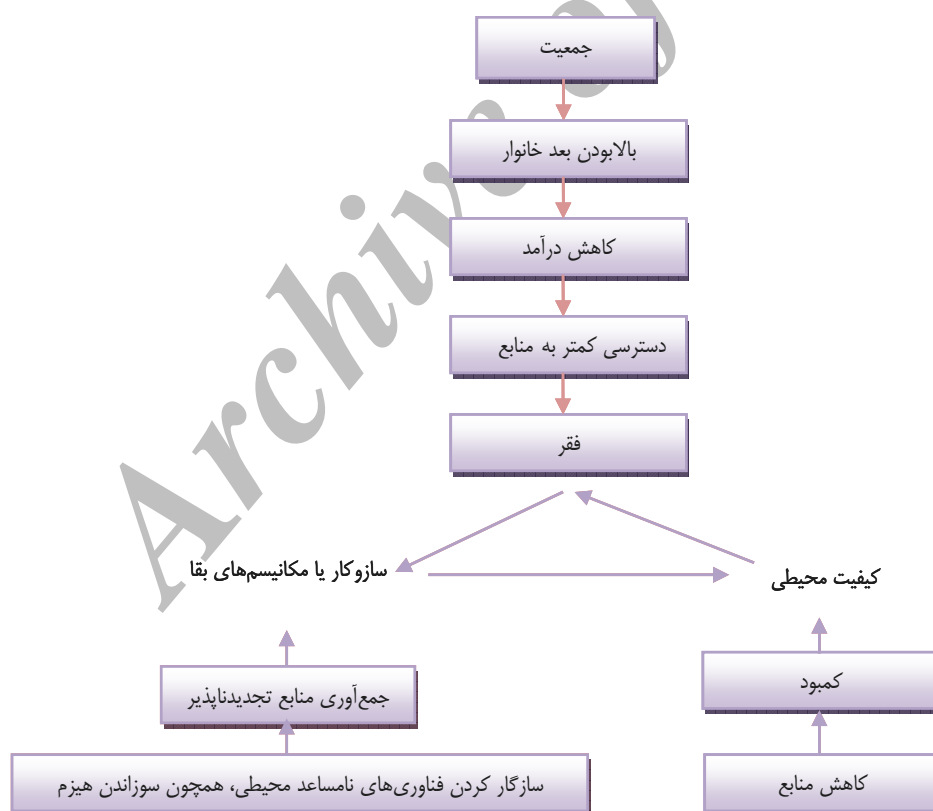
مبانی نظری

یکی از بارزترین جنبه‌های فقر، رابطه آشکاری است که این پدیده با تخریب محیط زیست دارد. در این زمینه باید دانست که فقر به خودی خود «ناپایداری» می‌آفریند. محروم کردن روستاییان فقیر از درآمد کافی، آموزش مناسب، تساوی فرصت‌های مشارکت و اتکای صرف به منبع درآمدی واحد، آنها را وادار می‌کند تا برای یک روز زندگی بیشتر، آنچه را نیاز دارند از محیط زیست بردارند (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۷، ۲۱). به گفته توماس ریردان، حضور فقر در مناطق روستایی فشار زیادی به منابع طبیعی وارد می‌کند، لذا توجه به توسعه روستایی عاملی می‌شود تا فشار بر منابع طبیعی کمتر گردد، ذکر این نکته لازم است که کاهش فقر اقتصادی در مناطق روستایی تا حدود زیادی منوط به افزایش درآمد روستاییان از طریق تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی است (حیدری ساربان، ۱۳۸۵، ۲۶۸). ناپایداری در نواحی جغرافیایی کشورهای درحال توسعه و فقیر به مراتب بیش از کشورهای ثروتمند است، و این امر ریشه در فقر اقتصادی و اجتماعی این جوامع دارد، به گونه‌ای آن را می‌توان بنیانی‌ترین عامل ناپایداری و تخریب اکولوژیکی دانست (Sumba, 1996, 266). این خود در نتیجه رشد جمعیت، دسترسی محدود به زمین یا دسترسی به زمین‌هایی با کیفیت پایین، درآمد و منابع اندک برای سرمایه‌گذاری و مدیریت منابع پایدار و سطح پایین آموزش پدید می‌آید (Barbier, 2000, 356). تخریب محیط زیست ناشی از بهره‌برداری‌های ناپایدار روستاییان فقیر از منابع محیطی است (توکلی، ۱۳۸۳، ۱۲۹)، که به شکل‌های مختلفی مانند قطع درختان و پوشش گیاهی و تخریب مراتع و بوته‌زارها به دست روستاییان فقیر به منظور استفاده سوختی و به دست آوردن اراضی زراعتی جدید نمود می‌یابد، نه تنها در کشورهایی که حیواناً از مواد انرژی‌زای کلاسیک محروم‌اند بلکه همچنین در کشورهایی که از منابع عظیم انرژی‌زا بهره‌مند هستند، در نتیجه فقر اقتصادی و فقر اجتماعی (پایین بودن سطح سواد) رواج دارد (محلای، ۱۳۶۶، ۱۸۵).

فقر مکانیسمی است که انگیزه‌های بقا را به اعمال انسانی تبدیل می‌کند و موجب تخریب محیطی می‌شود. در تحقیقی که کامیل اگادل، برنارد ریورا، جیمارتاپاسکورو و بن استرادا در منطقه‌ای تپه‌ای از اندس کلمبیا انجام دادند، مشخص شد که دامداران بزرگ و گاوداران شریکی، خانواده‌هایی هستند که بیشترین فشار را بر منابع طبیعی می‌آورند و برای هر دوی اینها تولید دام، فعالیت مهم و اصلی است. گاوداران شریکی دارای نسبتاً کمی دارند اما بیشترین تخریب محیطی را موجب می‌شوند. خانواده‌های دامداران مقادیر زیادی چوب برای ساخت و تعمیر حصار و طولیله‌های‌شان

برداشت می‌کنند (Agudelo, et al., 2003, 1925). روابط بین فقر و محیط زیست، در هر شرایط معینی، به سطح توزیع و انواع فقر، به انواع مشکلات زیست‌محیطی و به متغیرهای محدود کننده بستگی دارد. به موازات تغییراتی که در عوامل مذکور ایجاد می‌شود، ممکن است جای علت و معلول و قوت رابطه فقر و محیط زیست هم تغییر کند. با توجه به انواع فقر و انواع مشکلات زیست‌محیطی، باید سیاست‌ها و راهبردهای تجویز شده با در نظر گرفتن شرایط خاص هر محل تدوین شود (Reardon & Vosti, 1995, 1498).

آنتونی چوکور با ترسیم نمودار ۱ رابطه فقر و تخریب محیط زیست را تبیین می‌کند. به طور کلی کیفیت محیط، با میزان جمعیت و چگونگی توزیع آن تخمین زده می‌شود، زیرا رفاه نیازمند استفاده از منابع طبیعی است، تراکم بالا و توزیع بی‌برنامه جمعیت و به دنبال آن کاهش درآمد و نیز شرایط فقر اقتصادی - اجتماعی حاکم تأثیر منفی بر کیفیت زندگی و در نتیجه محیط دارد. جمعیت زیاد مستلزم مقادیر زیادی ملزومات پایه مثل غذا، آب، مسکن، انرژی و زمین است. اگر بین تقاضا برای این منابع و موجودی پایدار آنها توازن وجود نداشته باشد، پایداری محیط به طور جدی از دست می‌رود و تخریب می‌گردد (Chokor, 2004, 316).



شکل ۱. رابطه بین فقر، بهره‌برداری منابع / سازوکار یا مکانیسم‌های بقا و کیفیت محیطی

منبع: Chokor, 2004, 316

اما باید دانست که فقر و تأثیر آن بر تخریب محیط زیست، مسئله‌ای بی‌علاج نیست بلکه از ایجاد فرصت‌های اشتغال، توزیع عادلانه منابع و درآمد و بهبود کیفیت اراضی تأثیر می‌پذیرد (Sanderson, 2005, 328). اگر قرار است راه‌حلی برای این مسئله پیدا شود، لازم است که نخست، ارتباط فقر - تخریب محیطی بررسی و آنالیز شود و سیاست‌هایی برای کاهش یا رفع کامل این دو مشکل تعیین گردد؛ و دوم، عوامل فقر اقتصاد روستاییان که مشخصاً عبارت‌اند از رکود در تولیدات کشاورزی، ضعف و قلت پول خانوار روستایی، عدم تنوع در فعالیت‌های اقتصادی، رژیم‌های مالکیت ناصحیح، بیکاری و نظایر اینها از میان برداشته شوند. به نظر می‌رسد که عامل دیگر تخریب محیط روستاییان فقیر در این کشورها، نادیده‌انگاری یا اهمال دولت‌ها و مسئولان مملکتی در آموزش مردم است (Ellis & Bahiigwa, 2003, 998).

روش تحقیق

روش تحقیق بر اساس هدف آن، کاربردی است؛ و داده‌های مورد نیاز از طریق روش کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده‌اند. در روش میدانی ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است؛ و واحد آماری همانا سرپرست خانوار (بهره‌بردار روستایی) است. مراتع ممیزی‌شده بخش شیب‌آب زابل شامل ۷ سامان عرفی^۱ است، که براساس روش تصادفی ساده مرتع ممیزی شده شوررود مورد مطالعه قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش را ۲۶۰۵ بهره‌دار استفاده‌کننده از مراتع ممیزی‌شده بخش شیب‌آب تشکیل می‌دهند. حجم نمونه، کل بهره‌برداران روستایی (۱۷۳ نفر) یا استفاده‌کنندگان از مرتع ممیزی شده شوررود هستند که همان فقرای روستایی را تشکیل می‌دهند. پایین بودن میزان درآمد سرانه، بازدهی کم زمین و فرصت‌های محدود شغلی به عنوان شاخص‌های فقر اقتصاد روستایی و سطح پایین سواد، بالا بودن بعد خانوار - که کاهش پس‌انداز و صرف هزینه‌های هنگفت را برای بهداشت، آموزش، خوراک و مسکن به دنبال دارد - به عنوان شاخص فقر اجتماعی، و وجود دام مازاد و بوته‌کنی از مراتع برای تأمین نیازهای زندگی به عنوان شاخص‌های تخریب محیط زیست، در نظر گرفته شده است. در این تحقیق داده‌های مربوط به تعداد دام مازاد از اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان زابل، بر اساس شناسنامه سال ۱۳۸۸ مرتع و پروانه چرای صادر شده برای هر بهره‌بردار که در آن تعداد دام مازاد و مجاز به تفکیک نوع دام مشخص شده، گردآوری شده است. توضیح اینکه در هر مرتع با توجه به فاکتورهای وسعت مرتع، ظرفیت تولید علوفه خشک مرتع در هر هکتار در یک فصل چرا (که در منطقه مورد مطالعه ۹۰

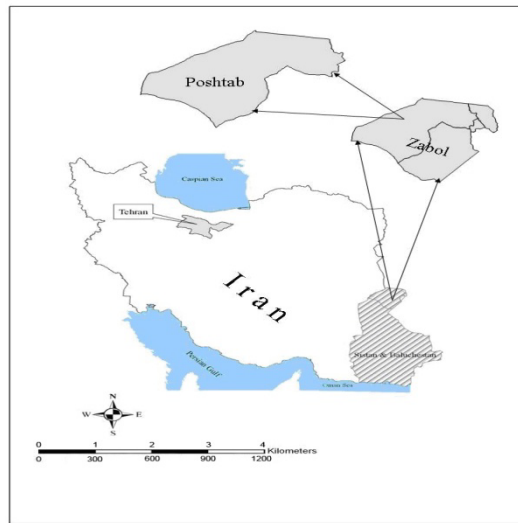
۱. سامان عرفی آن چیزی است که محدوده مالکیت یا محدوده بهره‌برداری هر واحد مرتع‌دار را از واحد دیگر مجاور تفکیک می‌کند این محدوده‌ها عرفاً تفکیک شده هستند، ولی تا به حال رعایت نمی‌شدند و سند و مدرکی دال بر مالکیت به دامداران ذی‌نفع داده نمی‌شد. اما امروزه مقامات مسئول در سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری کشور به این فکر افتاده‌اند که مأمورانی را به نقاط مختلف اعزام کنند و به کمک روستاها یا واحدهای مرتع‌داران مجاور، مالکیت هر بهره‌بردار را مشخص سازند. بعد از طی مراحل قانونی، سند مالکیت هر واحد را به افراد ذی‌نفع یا نماینده دامداران تحویل می‌دهند این امر باعث تقویت احساس مالکیت بر اراضی مرتعی می‌گردد و موجب می‌شود که آنها زمین مرتع را از آن خود بدانند و در امر احیا و حفاظت آن کوشا باشند.

روز است) و مصرف روزانه یک واحد دامی (دو کیلو گرم در روز برای هر واحد)، تعداد دام مجاز مشخص می‌گردد. و اضافه بر آن دام مازاد است. داده‌های مربوط به متوسط درآمد سالانه خانوار روستایی در بخش شیب‌آب زابل در استان سیستان و بلوچستان و کشور، و همچنین متوسط سطح سواد در استان سیستان و بلوچستان و کشور، از مرکز آمار ایران (۱۳۸۸) برگرفته شده؛ و متوسط سطح سواد در منطقه مورد مطالعه و سایر داده‌های مربوط به شاخص‌ها از طریق پرسشنامه به‌دست آمده است.

به منظور بررسی ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها برای حفظ مرتع ممیزی شده شوررود، از الگوی تحلیل SWOT استفاده شده است. بدین منظور تأثیر عملکرد مستقیم و غیرمستقیم انسان بر تخریب محیط زیست (مرتع)، که نتیجه فقر اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداران روستایی است، بررسی شده است. در بررسی تأثیر عملکرد مستقیم انسان بر تخریب محیط زیست متغیرهای بوته‌کنی برای پخت‌وپز، بوته‌کنی برای گرمایش، بوته‌کنی برای هیزم تنور، بوته‌کنی برای فروش، بوته‌کنی برای ایجاد آغل مورد مطالعه قرار گرفته است؛ و در بررسی تأثیر عملکرد غیرمستقیم انسان بر تخریب محیط زیست، به مطالعه متغیر دام مازاد پرداخته شده است.

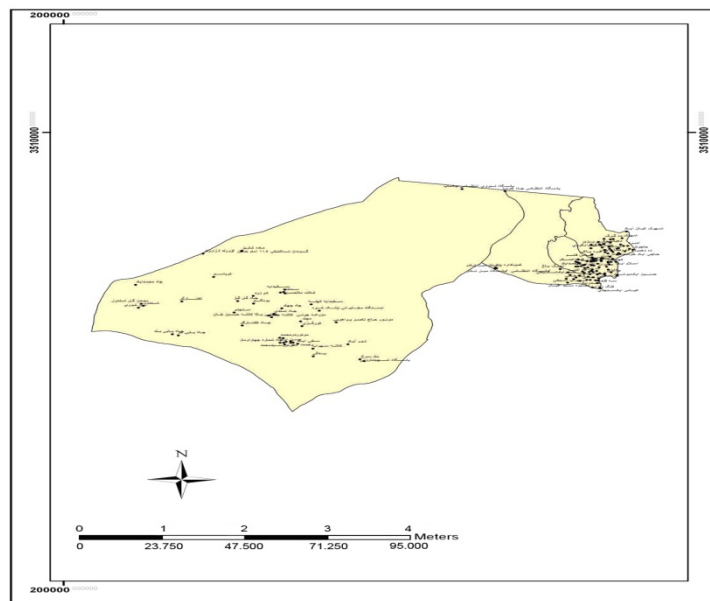
معرفی ناحیه مورد مطالعه

بخش شیب‌آب با وسعتی معادل ۸۵۴۷/۴ کیلومتر مربع و جمعیتی حدود ۴۰۴۳۴ نفر، در جنوب غربی شهرستان زابل در استان سیستان و بلوچستان قرار گرفته است. (شکل ۲ و ۳). منطقه سیستان در جنوب شرق ایران واقع است و اکثریت سطح آن را منابع ملی و خصوصاً مراتع تشکیل می‌دهند، که همواره در معرض عوامل مخرب طبیعی و انسانی از جمله خشکسالی یا سیلاب، و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع ملی به صورت چرای مفرط، بوته‌کنی، تخریب منابع و نظایر اینها قرار دارند (حیدریان، ۱۳۸۶، ۴). بر اساس رتبه‌بندی فقر در طرح مطالعاتی «شناسایی مناطق کمتر توسعه‌یافته کشور» که با مسئولیت معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی، طی سال‌های ۸۶-۱۳۸۵ انجام شده، بخش شیب‌آب شهرستان زابل، با فقر بیشتر در مرتبه اول قرار گرفته است (جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶، ۱۱۶). مساحت کل مراتع دشت سیستان ۵۴۷۴۵۹ هکتار است. مساحت مراتع بخش شیب‌آب ۳۶۹۶۶۶ هکتار است، شامل ۳۲۸۵۲۶ هکتار مراتع ممیزی شده (۸۸/۹ درصد کل مراتع بخش شیب‌آب)، و ۴۱۱۴۰ هکتار مراتع غیرممیزی (۱۱/۱ درصد کل مراتع بخش شیب‌آب). مرتع شوررود با ۷۵۰۰ هکتار وسعت، از جمله مراتع ممیزی شده بخش شیب‌آب زابل است. مراتع نیزار کرک کل در شمال، نیزار پشت‌کوه خواجه در جنوب، مرز حسین محمد در شرق، و دشت پوزبر در غرب حدود چهارگانه آن را مشخص می‌کند. بهره‌برداران مراتع، متشکل از بهره‌برداران روستایی (دامداران روستایی و گاوداران) و دامداران عشایری‌اند (اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان زابل، واحد مرتع، شناسنامه مرتع، ۱۳۸۸).



شکل ۲. موقعیت منطقه مورد مطالعه در ایران

منبع: مرکز آمار ایران ۱۳۸۸



شکل ۳. موقعیت روستاها در منطقه مورد مطالعه

منبع: مرکز آمار ایران ۱۳۸۸

بحث و یافته‌ها

بهره‌برداران مراتع

در مجموع ۱۷۳ بهره‌بردار روستایی در مرتع ممیزی شده شوررود بخش شیب‌آب وجود دارد. از این تعداد ۸۳ نفر دامدار روستایی و ۹۰ نفر گاودار هستند. میانگین بُعد خانوار ۶ نفر و کل جمعیت خانواده‌های بهره‌بردار مرتع ۱۰۳۸ نفر است، که از این تعداد حدود ۹۵ درصد بی‌سواد و ۵ درصد باسواد در حد ابتدایی هستند. اقتصاد بهره‌برداران روستایی و خانواده آنان

صرفاً متکی به فعالیتهای دامداری است، به طوری که متوسط درآمد سالانه خانوار روستایی در روستاهایی که این بهره‌برداران در آن ساکن‌اند، بر اساس گزارش مرکز آمار ایران حدود ۷۶۰۵۱۳۰ ریال است. بیشترین هزینه سالانه خانواده‌ها را هزینه خوراک (۶۸ درصد) و هزینه پزشکی (۲۰ درصد) تشکیل می‌دهد و دیگر هزینه‌ها مربوط به آموزش فرزندان، پوشاک، تفریح و مانند اینهاست. مسکن ۸۵ درصد خانواده‌ها از مصالح محلی (خشت گلی و چوب) و ۱۵ درصد از آجر و سیمان و آهن بدون در نظر گرفتن مقاوم‌سازی در برابر زلزله، ساخته شده است. جدول ۱ مشخصات بهره‌برداران را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مشخصات بهره‌برداران روستایی در مرتع ممیزی شده شوررود

شاخص	نوع بهره‌بردار			جمع	متوسط بعد خانوار روستایی	متوسط درآمد سالانه خانوار روستایی (ریال)	هزینه خانوار روستایی (درصد)		
	گاودار روستایی	دامدار روستایی	جمع				بی سواد (نفر)	کم سواد (نفر)	خوراک
تعداد	۹۰	۸۳	۱۷۳	۹۹۲	۴۶	۷۶۰۵۱۳۰	۶۸	۲۰	۱۲
درصد	۵۲	۴۸	۱۰۰	۹۵	۵				

منبع: اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان زابل، واحد مرتع، مرکز آمار ایران (نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار روستایی، ۱۳۸۸، www.sci.org.ir) و یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۸

بر اساس گزارش رسمی مرکز آمار ایران، میانگین درآمد سرانه خانوار ایرانی در مراکز شهری ۷۸۵۱۴۶۵۳ ریال و در مراکز روستایی ۴۸۴۲۳۸۷۴ ریال و متوسط درآمد سرانه خانوار روستایی در استان سیستان و بلوچستان و در منطقه مورد مطالعه به ترتیب ۳۱۲۵۰۳۸۲ و ۷۶۰۵۱۳۰ ریال است. متوسط درآمد سرانه خانوارهای روستایی منطقه مورد مطالعه با روستاهای استان سیستان و بلوچستان و کشور، تفاوت فاحشی دارد (جدول ۱). اتکای صرف بهره‌برداران روستایی و خانواده‌های آنان به فعالیتهای دامداری، و در واقع فقدان برنامه‌ریزی از سوی دولت برای ایجاد فرصت‌های شغلی در منطقه و به تبع آن دسترسی نیافتن بهره‌برداران و خانواده‌های آنان به فرصت‌های شغلی، و نیز تنوع نداشتن فعالیتهای اقتصادی (به دلیل خشکسالی‌های دوره‌ای در سیستان و رکود فعالیتهای کشاورزی)، نشان می‌دهد که بهره‌برداران روستایی و خانواده‌های آنان از نظر اقتصادی فقیرترین افراد ساکن در کشور جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آیند (شکل ۴).

طبق جدول، بهره‌برداران روستایی را دامداران روستایی و گاوداران تشکیل می‌دهند. در اصطلاح رایج در منطقه، عموماً بهره‌برداران شامل دامداران روستایی و گاوداران‌اند؛ و گاوداران آن دسته از بهره‌برداران روستایی هستند که واحد دامی گاو بیشتری از واحد دامی گوسفند دارند، و دامداران روستایی دارای واحد دامی گوسفند بیشتری هستند. داده‌های جدول نشان می‌دهند که بهره‌برداران روستایی و خانواده‌های آنان سطح سواد پایینی دارند. بر اساس گزارش رسمی مرکز آمار ایران، میانگین سطح باسوادی در کشور بالای ۹۰ درصد و در استان سیستان و بلوچستان بالای ۷۰ درصد است. بدین ترتیب، در واقع تفاوت آشکاری بین سطح باسوادی خانوارهای روستایی منطقه مورد مطالعه با متوسط سطح

باسوادی روستاهای استان سیستان و بلوچستان و کشور به چشم می‌خورد. از طرفی، بالا بودن بُعد خانوار (۶ نفر) سبب صرف هزینه‌های هنگفت سالانه - مانند هزینه خوراک (۶۸ درصد) و هزینه‌های پزشکی (۲۰ درصد) و دیگر هزینه‌های مربوط به آموزش فرزندان، پوشاک، تفریح و نظایر اینها و در نتیجه پس‌انداز در حد صفر شده است (نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار روستایی، ۱۳۸۸، ۱۳۷؛ و www.sci.org.ir؛ و یافته‌های تحقیق). داده‌های یافته شده نشان می‌دهند که بهره‌برداران روستایی و خانواده‌های آنان از لحاظ اجتماعی نیز در زمره فقیرترین افراد در کشور جمهوری اسلامی ایران جای می‌گیرند (شکل ۴).

تعداد دام موجود مرتع

کل دام بهره‌برداران روستایی که شامل ۱۰۸۵۸ واحد دامی است، از ۵۱۳۲ واحد دامی گاو (۴۷ درصد کل) و ۵۷۲۶ واحد دامی گوسفند (۵۳ درصد کل) تشکیل شده است. بیشترین تعداد دام مربوط به دامدار روستایی ۵۵۱۵ واحد دامی (۵۱ درصد کل)، شامل ۵۴۹۰ واحد دامی گوسفند (۹۹ درصد کل) و ۲۵ واحد دامی گاو (۱ درصد کل) است. کمترین تعداد دام مربوط به گاوداران با ۵۳۴۳ واحد دامی (۴۹ درصد کل)، شامل ۵۱۰۷ واحد دامی گاو (۹۵ درصد کل) و ۲۳۶ واحد دامی گوسفند (۵ درصد کل) است. با توجه به اینکه در مراتع هر رأس گاو معادل ۵ واحد دامی گوسفند یا بز در نظر گرفته می‌شود، تعداد کل دام بهره‌برداران روستایی بر حسب رأس دام و واحد دامی در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲. تعداد کل دام بهره‌برداران روستایی بر حسب رأس دام و واحد دامی، سال ۱۳۸۸

کل دام (واحد دامی)	کل دام (رأس)	تعداد واحد دامی			
		گاودار		دامدار روستایی	
۱۰۸۵۸	۳۱۳۸۶	گوسفند	گاو	گوسفند	گاو
		۲۳۶	۵۱۰۷	۵۴۹۰	۲۵

منبع: اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان زابل، واحد مرتع، ۱۳۸۸

اشکال مختلف تخریب مرتع توسط فقرای روستایی

تخریب محیط زیست (مرتج) به دو طریق صورت می‌گیرد: ۱. عملکرد مستقیم انسان (وجود دام مازاد در مرتع)؛ و ۲. عملکرد غیرمستقیم انسان (بوته‌کنی به منظور تأمین سوخت مصرفی، ایجاد آغل و فروش).

۱) تخریب محیط زیست (مرتج) از طریق عملکرد مستقیم انسان

تخریب محیط زیست (مرتج) در منطقه مورد مطالعه به‌دست انسان، از روش بوته‌کنی به منظور تأمین هیزم تنور یا پخت‌وپز غذا، تأمین گرمایش، ایجاد آغل و فروش هیزم برای تأمین نیازهای ضروری روزانه صورت می‌گیرد (شکل ۴). تعداد ۱۷۳ بهره‌بردار روستایی (۱۰۰ درصد کل این بهره‌برداران) از گونه‌های مرتعی برای تهیه هیزم تنور استفاده می‌کنند که شامل ۸۳ دامدار روستایی (۴۸ درصد کل) و ۹۰ گاودار (۵۲ درصد کل) است. بهره‌برداران در تمام فصول از گونه مرتعی گز و شور به منظور تأمین سوخت تنور استفاده می‌کنند. تعداد ۸ بهره‌بردار روستایی (۵ درصد کل) از گونه‌های

مرتعی برای پخت‌وپز استفاده می‌کنند، که هر ۸ بهره‌بردار، دامدار روستایی‌اند، یا به عبارتی ۱۰۰ درصد کل بهره‌برداران استفاده کننده از گونه‌های مرتعی جهت پخت‌وپز هستند. بهره‌برداران در تمام فصول از گونه مرتعی گز و شور به منظور تأمین سوخت برای پخت‌وپز استفاده می‌کنند. تعداد ۸ بهره‌بردار روستایی (۵ درصد کل این بهره‌برداران) از گونه‌های مرتعی برای گرمایش استفاده می‌کنند، که هر ۸ بهره‌دار، دامدار روستایی هستند و بدین ترتیب ۱۰۰ درصد کل بهره‌برداران استفاده کننده از گونه‌های مرتعی برای گرمایش را تشکیل می‌دهند. بهره‌برداران در فصل زمستان از گونه مرتعی گز و شور به منظور تأمین سوخت برای گرمایش استفاده می‌کنند. تعداد ۱۷۳ بهره‌بردار روستایی (۱۰۰ درصد کل بهره‌برداران روستایی) از گونه‌های مرتعی برای ایجاد آغل استفاده می‌کنند، که شامل ۸۳ دامدار روستایی (۴۸ درصد کل بهره‌برداران) و ۹۰ گاودار (۵۲ درصد کل بهره‌برداران) است. بهره‌برداران در فصل زمستان از گونه‌های مرتعی گز و شور به منظور ایجاد آغل استفاده می‌کنند. تعداد ۳۵ بهره‌بردار روستایی (۲۰٪ کل) از گونه‌های مرتعی به منظور فروش استفاده می‌کنند، که شامل ۱۷ دامدار روستایی (۱۰ درصد کل بهره‌برداران استفاده کننده از گونه‌های مرتعی به منظور فروش) و ۱۸ گاودار (۱۰ درصد کل بهره‌برداران استفاده کننده از گونه‌های مرتعی به منظور فروش) است. دامداران روستایی در تمام فصول از گونه مرتعی گز، و گاوداران از گونه مرتعی نی به منظور فروش استفاده می‌کنند. گونه گز به صورت دسته‌هایی با وزن تقریبی ۵۰ کیلوگرم - که در اصطلاح محلی کلاک^۱ نامیده می‌شود - با قیمت هر کلاک ۱۰۰۰۰ ریال، گونه نی در دسته‌های ۵۰۰-۷۰۰ شاخه‌ای با وزن تقریبی ۳ کیلوگرم - که در اصطلاح محلی چلگی^۲ نامیده می‌شود - با قیمت هر چلگی ۱۰۰۰۰ ریال به فروش می‌رسد. در جدول شماره ۳ تأثیر عملکرد مستقیم انسان بر تخریب محیط زیست (مرتج) نشان داده شده است.

جدول ۳. میزان تخریب محیط زیست (مرتج) توسط عملکرد مستقیم انسان بر حسب کیلوگرم

نوع عمل انسان	تعداد جمعیت	میزان بوته‌کنی در یک روز (کیلوگرم)	تعداد روزهایی که اقدام به بوته‌کنی می‌کنند	میزان تخریب (مرتج (کیلوگرم))
بوته‌کنی برای تأمین هیضم تنور	۱۷۳	۱۵	۳۶۶	۹۴۹۷۷۰
بوته‌کنی به منظور پخت‌وپز	۸	۱۰	۳۶۶	۲۹۲۸۰
بوته‌کنی به منظور گرمایش	۸	۲۰	۹۰	۱۴۴۰۰
بوته‌کنی به منظور ایجاد آغل	۱۷۳	۲۰	۹۰	۳۱۱۴۰۰
بوته‌کنی به منظور فروش	۳۵	۵۰	۳۶۶	۶۴۰۵۰۰
جمع	---	---	---	۱۹۴۵۳۵۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۸

۱. معادل پشتوار است و مقداری از گونه گز که بتوان بر پشت حمل کرد.

۲. معادل یک بغل علوفه.

۷۵ درصد روستاییان، از داشتن گاز لوله‌کشی مانند برخی نواحی کشور، محروم‌اند. همچنین گران بودن سوخت‌های فسیلی و نداشتن توان مالی کافی برای تهیه آن (هرگالن ۲۰ لیتری نفت با قیمت ۱۰۰۰۰۰ ریال، هرگالن ۲۰ لیتری گازوئیل با قیمت ۱۰۰۰۰۰ ریال، هرگالن ۲۰ لیتری بنزین با قیمت ۸۰۰۰۰ ریال) و عرضه نشدن سوخت به اندازه نیاز و در زمان مناسب به وسیله دولت عامل مضاعفی برای برداشت بی‌رویه از بوته‌های مرتع است. در مرتع ممیزی شده شوررود بخش شیب‌آب زابل روستاییان با انگیزه تأمین سوخت مصرفی (تهیه هیزم برای تنور، پخت و پز غذا و گرمایش)، ایجاد آغل و فروش در تمام فصول سال و به ویژه در زمستان به بوته‌کنی از مرتع (به طور متوسط ۲۳ کیلوگرم در روز) اقدام می‌کنند. بیشترین میزان بوته‌کنی با انگیزه فروش، حدود ۵۰ کیلو گرم در روز است. با توجه به احساس نیاز اقتصادی ساکنان منطقه از یک طرف و فقر سواد در منطقه از طرف دیگر، اجازه بازسازی و خودترمیمی به مرتع داده نمی‌شود و بدین ترتیب مرتع بیش از پیش در معرض تخریب قرار می‌گیرد. بنابراین با توجه به مساحت کل مرتع که حدود ۷۵۰۰ هکتار است، میزان تخریب مرتع در یک سال (۱۳۸۸) از طریق عملکرد مستقیم انسان، ۱۹۴۵۳۵۰ کیلوگرم محاسبه شده است (جدول ۳). در واقع با توجه به اینکه بوته‌های مرتعی صرفاً برای تعلیف دام مجاز در فصل چَرا در نظر گرفته شده‌اند، انسان با عمل خود به طور مستقیم سبب تشدید تخریب این منبع خدادادی می‌گردد.

۲- تخریب محیط زیست (مرتع) از طریق عملکرد غیرمستقیم انسان

بهره‌برداران مرتع با نگهداری دام اضافی، به شکلی غیرمستقیم موجب تشدید تخریب مرتع می‌شوند (شکل ۴). صد درصد بهره‌برداران مرتع ممیزی شده شوررود (۱۷۳ بهره‌بردار) دارای واحد دامی مازاد هستند. از کل بهره‌برداران روستایی دارای دام مازاد ۸۳ بهره‌بردار را دامدار روستایی (۴۸ درصد کل بهره‌برداران روستایی دارای دام مازاد) و ۹۰ بهره‌بردار را گاودار (۵۲ درصد کل بهره‌برداران روستایی دارای دام مازاد) تشکیل می‌دهند. کل دام مجاز مرتع ممیزی‌شده شوررود ۷۰۰۷ واحد دامی است. از کل دام مجاز بهره‌بردار روستایی ۳۵۵۳ واحد دامی مربوط به دامدار روستایی و ۳۴۵۴ واحد دامی مربوط به گاوداران است. کل دام مازاد بهره‌برداران ۳۸۵۱ واحد دامی است که ۱۹۶۲ واحد مربوط به دامدار روستایی و ۱۸۸۹ واحد مربوط به گاودار است (جدول ۴). نحوه بهره‌برداری از مراتع بر اساس پروانه چَرای صادر شده برای هر بهره‌بردار است که در آن تعداد دام مجاز هر بهره‌بردار برای استفاده از مرتع و زمان این استفاده که ۹۰ روز است (از یکم آذر ماه تا یکم اسفند) مشخص گردیده است. فروشگاه‌های تعاونی خوراک دام زیر نظر جهاد کشاورزی، بر اساس دفترچه خوراک دام، در فصول غیر از فصل مجاز چَرا، خوراک دام در اختیار بهره‌برداران برای تغذیه دام مجاز قرار می‌دهند. بهره‌برداران چون با ارزش اقتصادی دامداری آشنا نیستند، دام بیمار و دام نر را که قابلیت تولید ندارند، نگهداری می‌کنند، با این فرض که از همتایان خود، دام بیشتری داشته باشند و در عین حال عاملی برای افزایش درآمد باشد. همین امر باعث وجود دام افزون بر ظرفیت چَرا در مرتع در تمام فصول سال می‌گردد. در جدول ۴ تأثیر عملکرد غیرمستقیم انسان بر تخریب محیط زیست، و در شکل ۴ تأثیر فقر اقتصادی و اجتماعی روستایی بر تخریب محیط زیست (مرتع) نشان داده شده است.

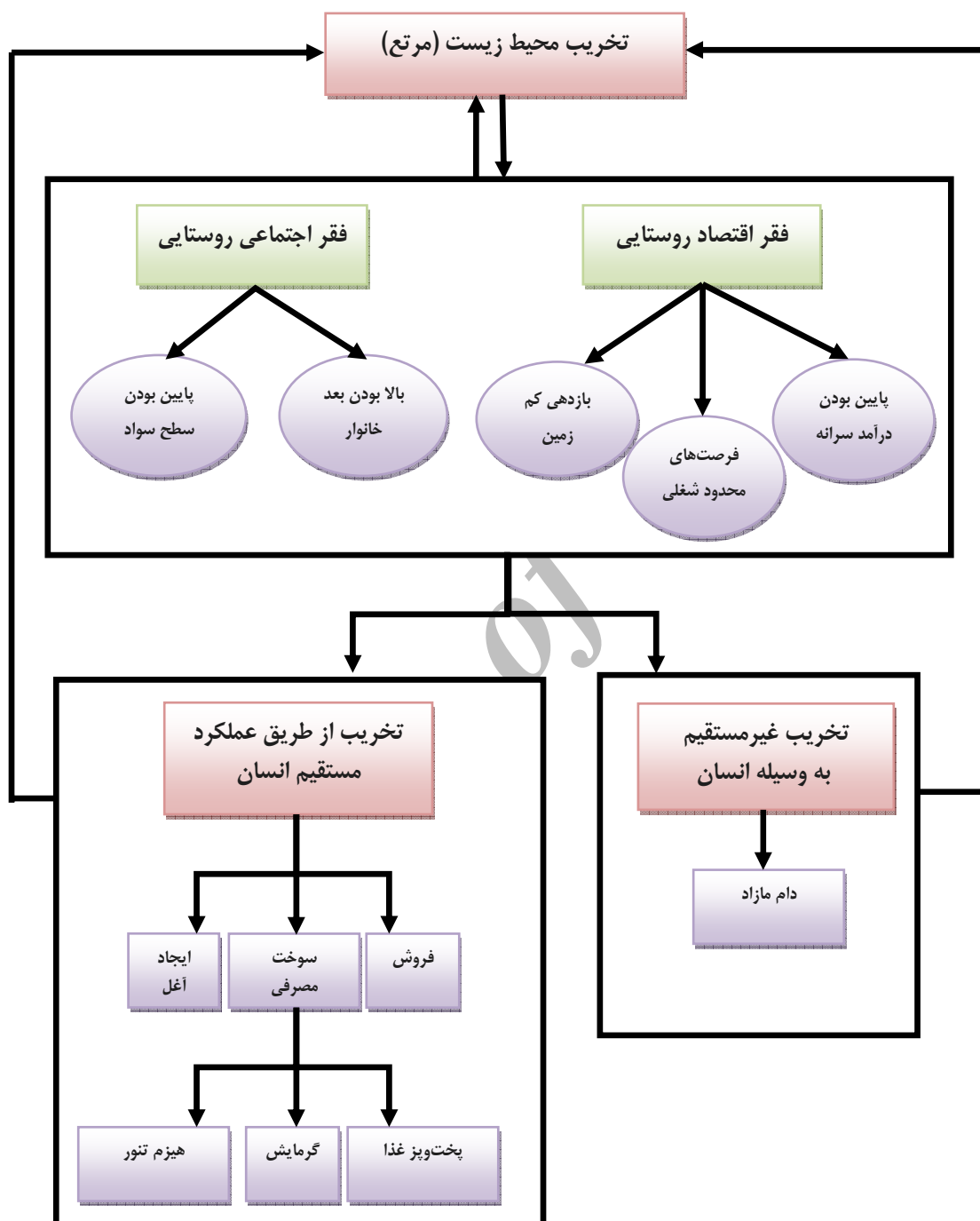
جدول ۴. دام مجاز و مازاد بهره‌برداران روستایی و میزان تخریب محیط زیست (مرتج) توسط عملکرد غیرمستقیم انسان

برحسب کیلوگرم

تعداد واحد دامی مازاد در هر هکتار	کل دام در هر هکتار	تعداد واحد دامی مجاز در هر هکتار	کل ظرفیت تولید سالانه مرتج (کیلوگرم)	ظرفیت تولید مرتج در هکتار (کیلوگرم)	وسعت مرتج (هکتار)	مرتج	دام مازاد		دام مجاز		شاخص
							گاودار	دامدار روستایی	گاودار	دامدار روستایی	
						۱۰۸۵۸	۱۸۸۹	۱۹۶۲	۳۴۵۴	۳۵۵۳	تعداد (واحد دامی)
۰/۵	۱/۴	۰/۹	۵۶۲۵۰۰۰	۷۵۰	۷۵۰۰	۲۱۷۱۶	۳۷۷۸	۳۹۲۴	۶۹۰۸	۷۱۰۶	میزان مصرف روزانه علوفه (۲ کیلوگرم به ازای هر واحد دامی)
						۲۸۱۸۹۳۲	۱۳۸۲۷۴۸	۱۴۳۶۱۸۴	—	—	میزان تخریب مرتج (کیلوگرم)

منبع: اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان زابل، واحد مرتج و یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۸

از مجموع ۱۰۸۵۸ واحد دامی در مرتج ممیزی شده شوررود بخش شیب‌آب زابل، ۳۸۵۱ واحد دامی را دام مازاد و ۷۰۰۷ واحد دامی را دام مجاز تشکیل می‌دهد. بر اساس گزارش واحد مرتج اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان زابل، میزان مصرف روزانه علوفه هر واحد دامی ۲ کیلوگرم است. مساحت کل مرتج ممیزی شده در حدود ۷۵۰۰ هکتار است و طبق مصوبات اداره منابع طبیعی این فضا برای ۷۰۰۷ دام مجاز (مجموع دام و گاو) در نظر گرفته می‌شود. به عبارتی دیگر، ظرفیت تولید مرتج در هر هکتار ۷۵۰ کیلوگرم (مجاز برای ۰/۹ واحد دامی) و ظرفیت تولید سالانه در کل مساحت مرتج ۵۶۲۵۰۰۰ کیلوگرم (مجاز برای ۷۰۰۷ واحد دامی) است. همان گونه که جدول نشان می‌دهد ۳۸۵۱ واحد دامی افزون بر مقدار ظرفیت مجاز مرتج وارد این فضا می‌شود. به‌رغم بازدهی کم مرتج (در هر هکتار به طور متوسط ۷۵۰ کیلوگرم) که عاملی دیگر بر فقر اقتصادی حاکم بر منطقه است، ساکنان منطقه برای تأمین نیازهای ضروری زندگی اقدام به نگهداری دام بیشتر می‌کنند؛ و از طرفی هم به دلیل فقر اجتماعی ساکنان، استفاده بی‌رویه از مرتج صورت می‌گیرد که این عامل نیز باعث تخریب مرتج می‌گردد، به گونه‌ای که در مرتج ممیزی شده شوررود ۳۵ درصد کل دام بهره‌برداران روستایی (۳۸۵۱) را دام مازاد بر ظرفیت مرتج تشکیل می‌دهد که به معنای وجود ۰/۵ واحد دامی مازاد در هر هکتار است. این تعداد واحد دامی با توجه به نیاز روزانه هر واحد دامی به ۲ کیلوگرم علوفه، به طور متوسط سالانه به ۲۸۱۸۹۳۲ کیلوگرم علوفه نیاز دارد که تأمین آن بیش از توان مرتج است.



شکل ۴. نمودار تأثیر فقر اجتماعی و اقتصادی روستایی بر تخریب محیط زیست (مرتع)

منبع: یافته‌های تحقیق

در جدول ۵ با استفاده از موارد یاد شده و الگوی تحلیل SWOT به بررسی نقاط قوت و ضعف و همچنین فرصت‌ها و تهدیدها برای حفظ مرتع ممیزی شده شوررود بخش شیب‌آب زابل پرداخته شده است.

جدول ۵. نظام تحلیل حفظ و احیای مرتع ممیزی‌شده شوررود در بخش شیب‌آب زابل، بر پایه الگوی تحلیل SWOT

موضوع		تخریب محیط زیست (مرتع)	
تحلیل		مرتع	ارتباط
عوامل درونی	نقاط قوت (S)	<ul style="list-style-type: none"> - ممیزی بودن مرتع شوررود در بخش شیب‌آب با هدف حفظ و احیای مراتع - مشخص بودن تعداد دام مجاز و تعیین فصل و مدت مناسب چرای دام در واحد دامداری ممیزی شده و در پروانه چرای صادر شده برای هر روستایی دامدار - داشتن روحیه مشارکت و همکاری - موافقت بهره‌برداران با حفظ مراتع - یکدست بودن فرهنگ بهره‌برداران استفاده‌کننده از مرتع 	<ul style="list-style-type: none"> - امکان بیشتر برای رسیدگی به مشکلات بهره‌برداران (در زمینه تأمین سوخت مصرفی و تهیه خوراک دام) - هزینه کمتر و شرایط آسان‌تر برای حفظ مراتع - استفاده از مشارکت روستاییان دامدار در راه رسیدن به حفظ محیط زیست (مرتع)، باتوجه به ویژگی‌های فرهنگی آنان - بهره‌برداری از نیروی فعالیت بهره‌برداران در امر جلوگیری از تخریب مراتع
	نقاط ضعف (W)	<ul style="list-style-type: none"> - ناموفق بودن طرح مدیریت و قرق مراتع - بهره‌برداری غیر اصولی از مراتع (نظیر: چرای دام در زمانی غیر از فصل مجاز چرا، بوته‌کشی به منظورهای مختلف) - پایین بودن سطح سواد بهره‌برداران (۹۵ درصد بهره‌برداران مرتع ممیزی‌شده شوررود در بخش شیب‌آب بی‌سوادمند) 	<ul style="list-style-type: none"> - فقر و درآمد کم (مانند در چرخه فقر) - امکان مواجهه با مخاطرات ناشی از ضعیف شدن و نابودی مرتع (نظیر: حرکت شن‌های روان در اثر بادهای ۱۲۰ روزه، به دلیل خشکسالی‌های دوره‌ای در سیستان) - مواجهه با مشکلات عدیده در منطقه و امکان ایجاد آشوب‌ها به دلیل نارضایتی روستاییان دامدار از وضعیت شان
	فرصت‌ها (O)	<ul style="list-style-type: none"> - گسترده بودن سطح این منبع ملی در دشت سیستان از نظر وسعت در مقایسه با سایر منابع - وجود تجربیات فراوان جهانی در حفظ و احیای مرتع - شروع فعالیت‌های حفظ مراتع در دشت سیستان، نظیر بذرپاشی گونه‌های مرتعی متناسب با اقلیم، خاک و مانند اینها 	<ul style="list-style-type: none"> - وجود فرصت‌های فراوان شغلی - استفاده از تجربیات دیگر کشورها در امر حفظ محیط زیست (مرتع) - برنامه‌ریزی آسان‌تر و سریع‌تر در امر حفظ و احیای مراتع
	تهدیدها (T)	<ul style="list-style-type: none"> - فقدان نظارت دقیق و مدیریت قوی واحد در حفظ مراتع و هماهنگی بین دستگاهی - آسیب‌پذیری شدید مراتع در برابر بهره‌برداری‌های غیراصولی به دلیل وضعیت تیپ گیاهی متوسط و فقیر - ادامه روند دامداری سنتی و افزایش تعداد دام (به دلیل هم مرز بودن با کشور افغانستان، دام با قیمت ارزان خریداری و نگهداری می‌شود) 	<ul style="list-style-type: none"> - تعلق در امر حفظ و احیای مراتع و بی‌برنامه بودن در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسائل منابع ملی - نابودی کامل برخی گونه‌های بومی (نظیر: گونه لویی به دلیل بهره‌برداری غیراصولی و سخت‌تر شدن کار غنی‌سازی مراتع

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر به بررسی فقر اقتصاد روستایی بر تخریب مرتع ممیزی شده شوررود بخش شیب‌آب شهرستان زابل پرداخته شد. ضعف بنیه اقتصادی بهره‌برداران روستایی، پایین بودن هزینه تعریف در مراتع، اتکا به نظام دامداری سنتی، و آشنا نبودن روستاییان با ارزش اقتصادی دامداری (نگهداری دام بیمار و دام نر که قابلیت تولید ندارد، با این فرض که از هم‌تایان‌شان دام بیشتری داشته باشند و در عین حال عاملی بر افزایش درآمد آنها باشد) باعث حضور دام مازاد بر ظرفیت

مرتج در تمام فصول می‌گردد. همان گونه که در این تحقیق نشان داده شد، عواملی چون پایین بودن متوسط درآمد سالانه خانوارهای روستایی (هر خانوار با بعد ۶ نفر، حدود ۷۶۰۵۱۳۰ ریال)، فقدان تنوع فعالیت‌های اقتصادی (برنامه‌ریزی نکردن دولت برای ایجاد فرصت‌های شغلی)، اتکای صرف به دامداری، سطح تحصیلات پایین روستاییان منطقه (بیش از ۹۵ درصد بهره‌برداران روستایی و خانواده‌هایشان بی‌سواد یا کم‌سواد هستند) و بالا بودن بعد خانوار (۶ نفر) عامل اصلی فقر اقتصادی و اجتماعی روستاییان به‌شمار می‌آیند. این عوامل در عین حال سبب استفاده بی‌رویه از منبع خدادادی مرتج نیز شده‌اند. عامل فقر اقتصادی در منطقه، احساس نیاز به تأمین ضروریات زندگی، باعث نگهداری بیش از حد دام در فضای محدود مرتج می‌شود. با توجه به اینکه در سال زراعی فصل خاصی برای استفاده از مرتج و برای تعداد محدودی دام (۲ واحد دامی در هکتار) در نظر گرفته می‌شود تا مرتج بتوان ترمیم خودبه‌خودی را در طول سال زراعی و در طول عمر مفیدش داشته باشد. به دلایل یاد شده بهره‌برداران روستایی منطقه با چرای دام مازاد، بیش از توان مرتج و در فصل غیرمرتبط از مرتج در دسترس بهره‌برداری می‌کنند. بدین ترتیب که بیش از ۳۸۵۱ واحد دامی غیرمجاز بر مرتج تحمیل می‌شوند. از طرفی نیز خود افراد با کندن بوته‌هایی که می‌توانند در به تأخیر انداختن فرسایش خاک و افزایش طول عمر مرتج کمک کنند، باعث شدت تخریب‌پذیری مرتج می‌گردند. این تحقیق نشان می‌دهد که از مجموع ۷۵۰۰ هکتار مرتج، با ظرفیت تولید ۷۵۰ کیلوگرم در هکتار (مجاز برای ۰/۹ واحد دامی) و ظرفیت تولید سالانه ۵۶۲۵۰۰۰ کیلوگرم (مجاز برای ۷۰۰۷ واحد دامی)، سالانه به میزان ۱۹۴۵۳۵۰ کیلوگرم بوته از طریق عملکرد مستقیم انسان و ۲۸۱۸۹۳۲ کیلوگرم علوفه از طریق عملکرد غیرمستقیم انسان (۳۸۵۱ واحد دامی مازاد بر ظرفیت مرتج، یا به عبارت دیگر وجود ۰/۵ واحد دامی مازاد در هر هکتار) خارج از توان مرتج از آن بهره‌برداری می‌شود. اهم پیشنهادها و راهبردها به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- تدوین شاخص‌های آماری مناسب و جمع‌آوری داده‌های آماری در زمینه فقر روستایی و تخریب محیط زیست .
- در بررسی رابطه فقر - محیط زیست، ارائه تعریف مناسب از فقر و شناخت نوع فقر در تحلیل فقر بر محیط زیست تأثیر به‌سزایی دارد، لذا ضروری است از بعد مفهومی دقت نظر بیشتری به مفهوم فقر و انواع و ابعاد مختلف آن صورت گیرد .
- نوع تخریب زیست‌محیطی تأثیر عمده‌ای بر تبیین و تحلیل رابطه فقر روستایی و تخریب محیط زیست دارد، لذا ضروری است در مطالعات این حوزه تخصصی‌تر وارد شد و به تحقیقات دقیق‌تری در زمینه رابطه فقر روستایی با مرتج پرداخت.
- پیشنهاد می‌شود در تحلیل رابطه فقر روستایی و تخریب محیط زیست، جامع‌نگر بود و عوامل ساختاری، مدیریتی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی را - اعم از درونی و بیرونی - که باعث تشدید فقر و افزایش تخریب محیط زیست می‌شوند، شناسایی کرد.
- انجام دادن تحقیقات جامع و مناسب در زمینه فقر روستایی و تأثیر آن بر تخریب محیط زیست به عنوان یکی از چالش‌های عمده توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه.
- تلاش در جهت فقرزدایی که از اقدامات اساسی در جلوگیری از تخریب محیط زیست است، پیشنهاد می‌گردد.

- درگیر ساختن اقشار فقیر در ارتقای مدیریت خوب محیط (روستاییان فقیر در حالی که نیازهای زندگی خود را برآورده می‌سازند، فعالیت‌های‌شان را به گونه‌ای سازماندهی کنند که مهارت و دانش خود را برای مراقبت از محیط به کار برند) و گسترش اخلاق زیست‌محیطی.
- پیشنهاد می‌شود که با استفاده از روش ترویجی، آموزشی و جلب همکاری روستاییان فقیر و دامداران از طریق تشکیل جلسات، سخنرانی توأم با نمایش فیلم و اسلاید، آنان با پیامدهای منفی تخریب محیط زیست آشنا گردند و روش‌های بهره‌برداری پایدار از منابع محیطی به آنان آموزش داده شود.
- پیشنهاد می‌شود که در عرصه حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری از منابع طبیعی، از مشارکت مردم حداکثر استفاده به عمل آید و حق و اولویت آنان در بهره‌برداری از منابع محیطی به رسمیت شناخته شود.
- از طریق حمایت‌های مالی در قالب تسهیلاتی چون اعطای وام، اعتبار و یارانه باید روستاییان فقیر را به بهره‌برداری اصولی و پایدار از منابع محیطی ترغیب کرد.
- تهیه سوخت ارزان قیمت و سوخت‌های فسیلی.
- تأمین علوفه مورد نیاز دامداران، به‌موقع و به اندازه نیاز در فصول غیر از فصل مجاز چرا، با قیمتی که در توان مالی دامداران باشد.
- ایجاد درآمد و فرصت استخدام افراد در بخش‌های کشاورزی، معدن و صنعت برای کاهش فشار بر منابع طبیعی، به خصوص برای دامدارانی که تعداد دام اندکی در اختیار دارند.
- تحول در نظام بهره‌برداری سنتی از مراتع.
- حمایت از تهیه و اجرای طرح‌های مرتع‌داری.

منابع

- Agudelo, C., Rivera, B., Tabasco, J. and Estrada, R., 2003, **Designing Policies to Reduce Rural Poverty and Environmental Degradation in a Hillside Zone of the Colombian Andes**, World development, Vol. 31, No.11, p. 1924.
- Barbier, E.B., 2000, **The Economic Linkage between Rural Poverty and Land Degradation: Some Evidence from Africa**, Agriculture, Ecosystems and Environment Vol. 82, No. 11, p. 356.
- Choker, B. A., 2004, **Perception and Response to the Challenge of Poverty and Environmental Resource Degradation in Rural Nigeria: Case Study from the Niger Delta**, Journal of Environmental Psychology 24, p.306.
- Department of Natural Resources and Watershed Management of Zabol's Township, Unit of Pasture, Identity Card of Pasture, 2009.
- Ellis, F. and Bahiigwa, G., 2003, **Livelihoods and Rural Poverty Reduction in Uganda**, World Development, Vol. 31, No. 6, p.998.
- Hayami, Y., 2001, **Economics of Development, From Poverty to Wealth of Nations**, Translation: Azad Armaki, Gh. First Edition, Ney Publications, Tehran.

- Heydarian, M., 2007, **Research and Executive Project for Dashtbandan's Pasture Grazing Management Project**, Employer: Sistan and Balouchestan's Central Bureau for Natural Resources, Contractor: Sistan's Organization of Natural Resources and Agricultural Engineering System.
- Heydari Sareban, V., 2006, **Organizing Rural Cooperatives, An Essential Step in Achieving To Sustainable Environmental Development**, Jahad Scientific- Social periodical , Currency Assistance and Exploiting System of Agricultural Department Publications, No. 275, 26 The Year.
- Jahad Daneshgahi, 2006-2007, **Research Project for Identifying Less-developed Regions**, Employer: Deputy for Infrastructural Issues in Presidency, National Management and Planning Organization, First Volume.
- Mahallati, S., 1987, **Destruction of Green Gold, Death of the Environment, the Global Crisis of Poverty**, Geographical Studies Periodical, Astan Qods Razavi Publications, Second Year, No. 2, pp. 176-185.
- Murty, M.N., 2009, **Environment, Sustainable Development and Well-being**, Oxford, p. 3.
- Nasreen, M., Hossain, K. M. and Kundu, D. K., 2006, **The Interrelationship between Poverty, Environment and Sustainable Development in Bangladesh: An Overview**, Bangladesh e-Journal of Sociology ,V. 3, No. 2, p. 70.
- Najafi, Gh. A., 2007, **A Review of Sustainable Development Literature**, Dehati Environmental, Agricultural, Scientific Monthly Journal, Fourth Year, No. 47, p. 12.
- Papoli Yazdi, M.H., Rajabi Sanajerdi, H., 2008, **The Theory of Urban and Surrounding**, Samt Publications.
- Rahimi, H., 2001, **Studying the Effect of Poverty on Environment**, Promotional Scientific Journal for Politico-economic Information (Monthly), Etela'at Institution Publications, Sixteenth Year, Nos. 1&2, p.214.
- Rahimisoore, S., Razavi, H., 1996, **An Attitude on The Place of Village and Villagers in Removing Poverty Programs, Pepars Collection of Congress for Considering Poverty and Removing Poverty Issues**, Budget and Program Organ Publication, First Volume.
- Reardon, T. and Vosti, S. A., 1995, **Links between Rural Poverty and the Environment in Developing Countries**, World Development, Vol. 23, No. 9, p. 1495.
- Sameti, M., Karami, A., 2004, **Studying the Effect of Governmental Expenses in the Agricultural Section on Decreasing Rural Poverty in the Country**, Economic Research Magazine, No. 67, p. 218.
- Sanderson, S., 2005, **Poverty and Conservation: The New Century's "Peasant Question?"**, World Development, Vol. 33, No. 2, p. 328.
- Scherr, S.J., 2000, **A Downward Spiral? Research Evidence on the Relationship between Poverty and Natural Resource Degradation**, Food Policy 25, p. 481.
- Shah, A., 2005, **Poverty and the Environment**, Issues on the Global Issues Web Site, p. 71.
- Sharach Chandra, M. L., 1991, **Sustainable Development: A Critical Review**, World Development, Vol. 19, No. 6, p. 617.
- Statistic Center of Iran, 2006, **Results of Survey of Expenditure and Income of Rural**

- Family**, Statistic Center of Iran Publications, First Print, 2009. www.sci.org.ir.
- Sumba, M., 1996, **Viewpoint on Sustainable Urban Development in Sub-Saharan Africa**, Journal of Cities, Vol. 13, No. 4, p.266.
- Tavakoli, J., 2004, **Rural Poverty and the Destruction of Environment in Developing Countries**, Villages and Development Periodical, Centre for Research on Rural Issues Publications, Year 7, No. 1, p. 129.
- Zeller, M., Manohar, Sh., Carla, H. and Cecile, L., 2006, **An Operational Method for Assessing the Poverty Outreach Performance of Development Policies and Projects: Results of Case Studies in Africa**, World Development, Vo l. 34, No. 3, p. 446.

Archive of SID